

برسازی امنیتی آمریکا از ایران در ادراک غرب آسیا و تنزل بهره صلح در اقتصاد سیاسی منطقه

مسعود هاشمی^۱
فرهاد دانش نیا^{۲*}
قدرت احمدیان^۳

چکیده

منطقه غرب آسیا به مثابه جغرافیای اصلی کنشگری در پیرامون ایران محسوب می‌شود. جهت‌گیری اسناد بالادستی ج.ا.ا متمرکز بر توسعه تعاملات همه جانبه با منطقه یاد شده است. یکی از موانع فراروی حصول به اهداف تعیین شده اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران در منطقه غرب آسیا، تخاصم موجود در روابط ایران و ایالات متحده است که بر نحوه تکوین مناسبات ایران با منطقه یاد شده سایه افکنده است. تمرکز سیاست خارجی و امنیتی آمریکا بر بازنمایی ایران به مثابه تهدیدی فوری-امنیتی علیه کشورهای منطقه غرب آسیا است. پروژه آمریکایی ایران هراسی در غرب آسیا، به شکل‌گیری نوعی ادراک تهدید از ایران نزد کشورهای این منطقه انجامیده است. پرسش مقاله حاضر آن است که مواجهه ایالات متحده با ج.ا.ا در منطقه غرب آسیا در چه چارچوبی قابل فهم است؟ فرضیه پژوهش بدین صورت طراحی شده که تکاپوی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا مبتنی بر برسازی ایران به عنوان بازیگری امنیتی شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشانگر آن است که رویه یاد شده به افزایش سهم هزینه‌های نظامی و در نتیجه تنزل بهره صلح در اقتصاد سیاسی منطقه انجامیده است. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و اتکا به مبانی نظری متفکران اصلی مکتب کپنهاک یعنی «باری بوزان» و «آلی ویور»، چگونگی بازنمایی ایران به عنوان بازیگری امنیتی شده توسط ایالات متحده و پیامدهای اقتصاد سیاسی آن بر مناسبات کشورهای غرب آسیا با ایران را صورت-بندی نموده است.

واژگان کلیدی: آمریکا، ایران، برسازی امنیتی، بازیگر امنیتی شده، بهره صلح

۱۸۵

10.22034/rr.2022.362112.2264



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم،

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی. (نویسنده مسئول)

* f.dnshn@razi.ac.ir

۳. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، ۱۸۵-۲۲۰

مقدمه

در ساختار نوین اطلاعاتی-ارتباطی جهانی، برسازی واقعیات و تلاش بازیگران مختلف برای شکل دادن به ادراکات، قضاوت‌ها و طرز تلقی یکدیگر به یکی از الگوهای غالب مواجهه در اقتصاد سیاسی جهانی تبدیل شده است. تحول یاد شده به تکوین الگوی رفتاری کنشگران در مقابل یکدیگر در یک فضای وانموده یا تصویری^۱ می‌انجامد. مختصات چنین فضایی، تراکم اطلاعات پیرامون روندها و رویدادها از یک‌سو و پیچیدگی صحنه بازی و دشواری برداشت درست از واقعیات و نیت هم، از دیگر سو است. برآیند سیاستی این مهم برای دولت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی آن است که بازیگران رقیب و به‌ویژه کنشگران متخصص تلاش می‌کنند برای منکوب کردن طرف مقابل به یک وضعیت اضطراری یا استثنایی^۲ شکل بدهند. در این راستا هر کنشگری می‌کوشد چهره و تصویر مورد نظر خود از دیگری را برای مخاطبین داخلی و بیرونی هژمونیک ساخته و در چارچوب از بین رفتن مرز جنگ و صلح در وضعیت استثناء، مقدمات کاربرد اقدامات بی‌حد و حصر علیه وی را فراهم سازد.

آمریکا از مهم‌ترین کشورهایی است که در سیاست خارجی و امنیتی خود، با کاربرد امکانات رسانه‌ای و ظرفیت‌های مادی و غیر مادی، در مواجهه با رقبای این کشور همواره از روند برسازی واقعیات و پدیده‌ها از جمله تصویرسازی منفی و برجسب زدن به رقبای خود استفاده می‌کند. متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی به تدریج پروژه منزوی کردن، طرد و حذف ایران و ارائه تصویری مخدوش از آن در دستور کار دولت‌های مختلف آمریکا قرار گرفته است. یکی از مناطقی که در چارچوب مفصل‌بندی یاد شده می‌توان الگوی مواجهه آمریکا با ایران را بر اساس آن تئوریزه نمود، غرب آسیا است. این منطقه به‌عنوان حیات خلوت و مفرّ استراتژیک ج.ا.ا محسوب می‌شود. برای ایالات متحده نیز غرب آسیا از ابعاد ژئواستراتژیک، ژئوپلتیک و

1 . Imaginary Space

2 . State of Exception

ژئواکونومیکی برخوردار است. از دیگر سو ماهیت انقلاب اسلامی و تعارضات استراتژیک نظامی، سیاسی و اقتصادی آن با ایالات متحده باعث مواجهه آنتاگونیستی دو کشور قبل از هر جا در منطقه غرب آسیا شده است. ج.ا.ا از همان ابتدای رخداد انقلاب، با حضور و نقش آفرینی، سیاست‌های امپریالیستی و هژمونی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا به مخالفت آشکار پرداخت. متقابلاً ایالات متحده نیز طی دهه‌های اخیر بیش از هر قلمرو دیگری در جهان، تلاش نموده کشورهای غرب آسیا را نسبت به ایران بدبین نموده و یک احساس ترس دائمی از ایران را در زمینه مسائل مختلف مرتبط با این کشور از جمله در مقوله هسته‌ای، موشکی، فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، حمایت این کشور از گروه‌های طرفدار خود را به آنها القا نماید که برای مقابله با آن همواره باید آماده بوده و خود را تجهیز نمود. بر اساس مدعای پژوهش پیش‌رو نسبت وثیقی بین برخی دگردیسی‌های منطقه غرب آسیا در حوزه افزایش مخارج نظامی - تسلیحاتی و گسترش کانون‌های کشمکش و منازعه در منطقه با واکنش کشورهای منطقه به احساس تهدید تکوین یافته از ایران در نتیجه اقدامات امنیتی ساز ایالات متحده علیه ایران وجود دارد. تهدید برساخته‌ای که آمریکا همواره تلاش نموده آن را به عنوان برآیندی از چهار مولفه مجاورت، نیت تهاجمی، قدرت تهاجمی و قدرت متراکم ایران در ادراک کشورهای منطقه بازنمایی و نهادینه کند. وجهه دیگر پیچیدگی ناشی از افزایش سهم هزینه‌های نظامی در قیاس با اقدامات توسعه‌ای در کشورهای منطقه، پیامدهای اقتصاد سیاسی آن است که در پژوهش حاضر با عنوان تنزل بهره‌ صلح در غرب آسیا مفهوم سازی شده و زوایای مختلف آن واکاوی می‌گردد.

پرسشی که در این راستا پژوهش حاضر را راهبری می‌کند آن است که مواجهه ایالات متحده با ج.ا.ا در منطقه غرب آسیا در چه چارچوبی قابل فهم است؟ فرضیه مقاله بدین صورت طراحی شده که تکاپوی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا مبتنی بر بازنمایی و برسازی ایران به عنوان بازیگری امنیتی

شده است. پیامد رویه یاد شده افزایش مخارج نظامی کشورهای منطقه و تنزل بهره صلح^۱ در غرب آسیا بوده است. نوع پژوهش کمی- کیفی بوده و با روش توصیفی- تحلیلی به تبیین رابط علی- معلولی بین متغیر مستقل یعنی برسازی ایران در ادراک غرب آسیا توسط آمریکا و متغیر وابسته پژوهش یعنی افزایش هزینه‌های نظامی و آثار آن بر تنزل بهره صلح در منطقه غرب آسیا پرداخته می‌شود. تبیین صورت گرفته در پژوهش حاضر با هدف توصیف فرآیند، ارائه خوانشی جدید و توسعه مفهومی منطق تحولات اقتصاد سیاسی غرب آسیا با تمرکز بر الگوی مواجهه آمریکا با ایران و برآیند آن بر مناسبات و روند تعادل و توسعه کشورهای منطقه صورت می‌پذیرد. پژوهش با اتکاء به منابع نظری و تحلیلی مختلف و نیز داده‌های آماری موسسه تحقیقات صلح استکهلم در بیش از سه دهه گذشته صورت گرفته است. سامان تحقیق بدین صورت مفصل‌بندی گردیده که ضمن اشاره به برخی تحقیقات مرتبط با موضوع مقاله و بیان نسبت پژوهش حاضر با ادبیات یاد شده، چارچوب نظری تحقیق معرفی می‌گردد. در گام بعدی منطق عملکرد آمریکا برای امنیتی جلوه دادن ایران در غرب آسیا و چگونگی تأثیرگذاری آن بر ادراک کشورهای منطقه تشریح شده و برآیند این مهم بر اقتصاد سیاسی غرب آسیا در چارچوب پدیده رشد مخارج نظامی کشورها از یک سو و تنزل بهره صلح در منطقه از دیگر سو مفهوم‌سازی می‌شود.

رهیافت تحلیلی: امنیتی سازی

فرضیه پژوهش حاضر با اتکا به مفاهیم و مضامین تئوریک مکتب کپنهاگ^۲ به مطالعات امنیت تجزیه و تحلیل می‌شود. از انگاره‌های اصلی مکتب یاد شده، مفهوم امنیتی‌سازی است که از اواسط ۱۹۹۰ و به ویژه با نگارش کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»^۳ توسط «باری بوزان»، «آلی ویور» و «جای دوویدل»^۴ وارد ادبیات مطالعات امنیت بین‌المللی شد (McDonald,

1 . Peace Dividend

2 . Copenhagen School

3 -A New Framework for Security Analysis

4 - Bary Buzan, Ole Waver & Jaap de Wilde

5: 2008). از دیگر مفاهیم بنیادین سامان فکری نظریه‌پردازان مذکور می‌توان به مفهوم «امنیتی سازی»^۱، «بازیگران امنیتی کننده»^۲، «بازیگران امنیتی شده»^۳، «بازیگران کارکردی»^۴، «مخاطبان هدف»^۵، «مرجع امنیت»^۶، «شرایط تسهیل کننده»^۷ و «تصویر سازی منفی»^۸، اشاره نمود. امنیتی‌سازی نوع حادثتری از سیاسی کردن است (بوزان، ویورو دوویدل، ۱۳۹۵: ۵۱). برسازای امنیتی نوعی کنشی کلامی است که به صورت بنیادزینی^۹ تکوین یافته و در چارچوب آن بازیگر امنیتی ساز گفتار امنیتی را در قبال یک پدیده اجرا می‌کند. این اقدام با معرفی موضوع مورد منازعه به عنوان «تهدید وجودی» برای هدف مرجع، عملیاتی می‌شود (حاجی مینه، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۶). بازیگر امنیتی کننده با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت مرجع امنیت، پدیده مورد نظر را امنیتی می‌سازد. «ویور» رهبران سیاسی، دیوان سالاری‌ها، حکومت‌ها، دلان سیاسی و گروه‌های فشار را ذیل بازیگران امنیتی کننده عام (دولت‌ها) و خاص (افراد) قرار می‌دهد (Buzan & waver, 2000: 242).

منظور از مرجع امنیت، چیزی اعم از جوامع یا دولت‌ها است که موجودیت آن در معرض تهدید انگاشته می‌شود (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۹). بازیگران کارکردی، کنشگرانی هستند که تأثیر چشم‌گیری بر تصمیمات اتخاذ شده در حوزه امنیت دارند (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۹)، ولی نقش مستقیمی را در امنیتی کردن مسائل ندارند. این بازیگران نه از مراجع امنیت هستند و نه جزو بازیگرانی که خواهان تضمین امنیت یکی از مراجع امنیت می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی و رضایی، ۱۳۹۶: ۱۳). بلکه یک عامل بیرونی تأثیرگذار در سیر امنیتی شدن هستند که با تکرار گفتمان حاکم، به اقدام گفتاری امنیتی شدن

- 1 - Securitized
- 2 - Securitized Actors
- 3 - Securitization Actors
- 4 - Functional Objects
- 5 - Target Audience
- 6 - Referent Objects
- 7 - Facilitating Conditions
- 8 - Negative Illustration
- 9 - Inter Subjective

کمک می‌کنند و زمانی که بازیگران امنیتی کننده نمی‌توانند موضوعی را به صورت مستقیم امنیتی جلوه دهند، با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی بازیگران کارکردی برای نیل به این هدف تلاش می‌کنند (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۷).

رسانه‌های ارتباط جمعی از مهم‌ترین بازیگران کارکردی می‌باشند که با انتخاب واژگان و عبارات حاوی بار منفی در لابلای مطالب و به‌ویژه سرمقالات خود به عنوان ابزاری برای امنیتی ساختن مسائل تلاش می‌کنند تا فضای ذهنی مخاطبان و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را نسبت به یک موضوع خاص منفی کنند (امیدی و مرادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۳). شرایط تسهیل کننده، نیز به بازیگران امنیتی کننده در تعیین موضوع‌های مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک می‌کند و کنش گفتاری را نتیجه بخش می‌سازد (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۴).

تصویرسازی منفی یا تهدیدانگاری معطوف به تعریف، شناسایی و بیان ویژگی‌ها و شرایط «تهدیدگر» است. در این مرحله تلاش می‌شود تا با ترسیم و بیان نقاط ضعف، کاستی‌ها، تفاوت‌ها، اختلافات و یا تعارضات، به شکل -دهی و القا تصویری نادرست از رقیب یا دشمن پرداخته شود. وجهه سازی منفی مذکور در اذهان و تخریب چهره حریف نهایتاً موجب حک شدن امکان بروز خطر و احتمال تهدید از سوی وی در نظر مخاطب می‌شود (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). متعاقب این روند، گام نخست در امنیتی شدن یک موضوع حضور یک مخاطب است، که با ادعای طرح شده از سوی بازیگر امنیتی کننده، موافقت نماید. مخاطبان شامل توده مردم به منظور حمایت‌های اخلاقی و نیز نهادهای رسمی برای حمایت‌های رسمی می‌شود (قرشی، ۱۳۹۳: ۴۳). بازیگر امنیتی شده یعنی یک پدیده در اذهان عمومی به صورت چنان تهدید وجودی برجسته‌ای جلوه کند که اثرات اساسی و فوری سیاسی در پی داشته باشد، اگرچه لزوماً تهدید وجودی، واقعی هم نباشد (بوزان و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۳).

از نظر متفکران مکتب کپنهاگ فرآیند امنیتی‌سازی طی سه مرحله صورت می‌گیرد: گام نخست، تصویرسازی از موضوع یا سوژه مشخص به عنوان «تهدید وجودی» برای هدف مرجع است. در حالی که بازیگر امنیتی کننده در این مرحله بازیگر مسلط است، بازیگران کارکردی و شرایط تسهیل‌گر نیز نقش مهمی در به نظر رسیدن تهدید علیه هدف مرجع ایفا می‌کنند. البته امنیتی شدن در این مرحله صورت نمی‌گیرد تنها می‌توان گفت حرکتی برای امنیتی کردن یک موضوع آغاز می‌شود (Waever, 1995: 65). این عدم قطعیت از دید مکتب کپنهاک بدین معناست که هر مسأله‌ای قابلیت امنیتی شدن را دارد به شرطی که بتوان آن را به نقطه‌ای رساند که در نقش تهدید وجودی پذیرفته شود. برای این منظور باید از پدیده مذکور یک تصویر یا حاد واقعیت^۱ ساخت که ممکن است با واقعیت امر منطبق نباشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۷). در واقع نوعی برسازای و بازنمایی تهدیدانگار از واقعیت صورت می‌گیرد.

در سامان فلسفی اندیشمندانی نظیر کارل اشمیت و جورجو آگامبن که نظریه کپنهاگ نیز ملهم از تطور فکری آنان است، این وضعیت در قالب تعلیق امر واقع و شکل‌گیری شرایط استثناء توضیح داده می‌شود. شرایطی که در آن هنجارها، قانون و نظم به تعلیق درآمده و هر کاری از سر اضطرار ممکن است مشروع جلوه کند (آگامبن، ۱۳۹۵، ۵۹). در وضعیت امنیتی شده یا استثناء، مخاطب با تحت تأثیر قرار گرفتن در یک نظام معنایی هدفمند، ناآگاه و ناخواسته همان تصویری را از واقعیت دریافت می‌نماید که مورد نظر و مطلوب بازیگر امنیتی کننده است.

مرحله دوم امنیتی شدن زمانی تکوین می‌یابد که بازیگر امنیتی کننده مخاطب را متقاعد کند که هدف مرجع به طور جدی تهدید شده و در معرض خطر است. آنگاه سخنان هشداردهنده بازیگر امنیتی‌ساز، پاسخ مناسبی را از سوی مخاطب دریافت خواهد کرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۵۰۷). مرحله سوم امنیتی

1. Hyper Realiy

شدن نیز زمانی است که در ازای رفع چنین تهدیدهایی، بازیگر امنیتی کننده و مرجع امنیت می‌توانند ادعا کنند که برای برخورد با آن نیاز و حق به کارگیری ابزارهای لازم را دارند (Buzan, 1997: 14).

در این مرحله طیفی از اعمال غیر قانونی برای دفاع از به اصطلاح قانون، نظم و امنیت تحت وضعیت اضطراری و امنیتی شده مجاز می‌شود. برآیند تکوین چنین معادله‌ای در روابط کشورها و مناطق مختلف می‌تواند تأثیرگذارند بر مناسبات مسالمت‌آمیز منطقه‌ای و سوق دادن روندها و تعاملات متعارف اقتصادی، فرهنگی و صلح‌آمیز به سمت دغدغه‌های امنیتی - نظامی، بی-اعتمادی و آنارشیک باشد. مدعای پژوهش حاضر آن است که تکاپوی غیریت ساز ایالات متحده در به راه انداختن جنگ روانی علیه ج.ا.ا، تحریم همه جانبه و فشار حداکثری بر اقتصاد سیاسی ایران، ممنوع کردن هر گونه مبادله و تعامل با آن و تلاش برای دایر نمودن یک کمر بند بهداشتی به دور این کشور در مناطق مختلف از جمله غرب آسیا بخشی از پروژه برسازی امنیتی و اعلام وضعیت اضطراری و استثناء علیه ج.ا.ا است که در پرتو مفصل‌بندی تئوریک طرح شده در بالا به مفهوم سازی آن و نیز آثار و پیامدهای پروژه مذکور بر اقتصاد سیاسی منطقه به طور عام و تعاملات ایران با منطقه غرب آسیا به طور خاص پرداخته می‌شود.

ادبیات پژوهش

از مهم‌ترین تحقیقاتی که در ارتباط با پژوهش حاضر تاکنون نگاشته شده، به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

اردون شیپولی (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان با اسلام، امنیتی سازی و سیاست خارجی آمریکا^۱ به جایگاه، نقش و بازیگران تعیین کننده روند امنیتی سازی از اسلام در سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد. به نظر شیپولی رویه یاد شده سابقه طولانی در سیاست خارجی آمریکا داشته و به رخداد یازده سپتامبر و رویکرد رادیکال دولت بوش در مقابل اسلام و ایران محدود نمی‌شود. ناصر

1. Erdoan Shipoli(2018),Islam, Securitization, and US Foreign Policy

جمالزاده و محمد آقایی (۱۳۹۴) در پژوهشی به واکاوی تاثیر ایران هراسی بر رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس و ارتباط میان توسعه خریدهای تسلیحاتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با پروژه ایران هراسی پرداخته و القای هراس از ایران برای کسب منافع اقتصادی بیشتر توسط کشورهای غربی و آمریکا از طریق فروش تسلیحات در منطقه را بررسی می‌کنند. ارسال قربانی شیخ نشین (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به پیامدهای نامطلوب سیاست خرید تسلیحات نظامی توسط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر امنیت و همگرایی در این منطقه می‌پردازد. احمد امیرآبادی فراهانی و اصغر صالح اصفهانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به ارزیابی تطبیقی تاثیر مخارج نظامی بر تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منتخب از جمله ایالات متحده، ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و اسرائیل طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ پرداخته‌اند. محسن شریعتی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان ایران هراسی: دلایل و پیامدها، به واکاوی علل و پیامدهای ترویج ایران هراسی در شکل‌گیری ائتلافی ضد ایرانی و بالا بردن هزینه پیگیری اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع ملی کشور می‌پردازد.

علی آدمی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۵) در پژوهشی ریشه‌های عدم همگرایی میان کشورهای منطقه غرب آسیا و رویارویی و مقابله جویی علیه یکدیگر را در چارچوب عنصر فرهنگ و از طریق ایجاد هویت‌های قومی، نژادی، ملی و مذهبی در شکل دهی به نظام اختلافات منطقه‌ای بررسی می‌کنند. سجاد خطیبی پور و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به پیوند میان امنیتی شدن مذهب و ارتقاء بحران در خاورمیانه با تمرکز بر عراق و سوریه می‌پردازند. آنان تضاد هویتی مبتنی بر ادراکات متفاوت از قالب‌های دینی را مانع جدی برای برنامه ریزی استراتژیک در جهت امنیت‌سازی، تعادل منطقه‌ای و همگرایی می‌دانند. علی بختیارپور و بهزاد علی پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به اثرات منفی مخارج نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس بر بدهی‌های دولت‌های یاد شده پرداخته‌اند. عبد الله بیچرانلو (۱۳۸۸) در

پژوهشی با عنوان بازنمایی اسلام و ایران در رسانه‌های غرب ضمن بررسی راهبردهای رسانه‌ی غرب در تصویرسازی از ایران به تلاش آنان برای القای اطلاعات به مخاطب و متأثر نمودن نگرش‌ها و باورهای او می‌پردازند. محمد رضا رستمی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بسترها و ریشه‌های منطقه‌ای خشونت و تنش در غرب آسیا و ارتباط ضعیف بی‌ثباتی‌های منطقه یاد شده با دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد. از نظر وی جلوگیری از جنگ گرم و حاکم ساختن صلح گرم در غرب آسیا به صرف فعالیت و اراده بازیگران فرا منطقه‌ای میسر نیست و نقش بازیگران فرا منطقه‌ای حداکثر در قالب ایجاد جنگ سرد و یا صلح سرد است.

در پژوهش‌های یاد شده به عنوان طیفی از نزدیک‌ترین تحقیقات مرتبط با مقاله حاضر علیرغم واکاوی برخی زوایای مقوله ایران هراسی، تشدید نظامی‌گری در منطقه و آثار وابستگی خارجی و نیز مداخلات بازیگران فرامنطقه‌ای، اما به طور خاص کوشش فکری که متمرکز بر برسازی ایران توسط آمریکا به عنوان بازیگر امنیتی شده و تاثیر آن بر بهره صلح در منطقه غرب آسیا در چارچوب مفهومی امنیتی‌سازی و روشن ساختن نسبت آن با تنزل بهره صلح در منطقه غرب آسیا باشد، صورت نگرفته است.

در تمایز با تحقیقات ذکر شده پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با بررسی دقیق تأثیر امنیتی شدن ایران بر بهره صلح در غرب آسیا، مراحل امنیتی شدن ایران، مولفه‌ها، متغیرها و عناصر مهم آن‌را به طور دقیق مورد واکاوی قرار دهد. هم‌چنین پیامدهای پدیده یاد شده بر تنزل بهره صلح با نشان دادن چگونگی تأثیرگذاری افزایش مخارج نظامی بر تنزل بودجه عمومی و تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه در بیش از سه دهه اخیر واکاوی می‌گردد. این مهم در کنار کاربست رهیافت نظری کپنهاگ برای تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در غرب آسیا و چگونگی تأثیرگذاری آن بر مکان‌یابی ایران در این منطقه از دیگر نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

آمریکا و برسازی امنیتی ایران در ادراک غرب آسیا

واقعیت آن است که آمریکا در راستای تحرکات خود برای منزوی سازی ج.ا.طی سه مرحله ایران را به یک پدیده امنیتی در غرب آسیا تبدیل نموده است. نخستین مرحله تصویرسازی از ایران به عنوان «تهدید وجودی» برای هدف مرجع یعنی کشورهای غرب آسیا بوده است. در این مرحله آمریکا در قالب‌های گسترده نوشتاری و گفتاری و با استفاده از رسانه‌های مختلف از جمله روزنامه‌ها، مجلات هفتگی و ماهنامه‌های تخصصی، کانال‌های رادیو، تلویزیونی و ماهواره‌ای، برگزاری کنفرانس‌ها و تولید گزارش‌های خبری، مستند و فیلم سینمایی به برسازی تصویری مخدوش از ایران و بازنمایی آن به مثابه خطر و تهدید فوری و وجودی برای کشورهای غرب آسیا اقدام نموده است. تکاپوی یاد شده معطوف به تحت تأثیر قرار دادن ادراک مقامات سیاسی، جامعه و نخبگان کشورهای غرب آسیا و تداعی تصویری غیرمتعارف از اهداف، ماهیت و دورنمای ایران به عنوان بازیگری خطرناک و منشأ تهدید برای این کشورها است. رویه مذکور با انگیزه تجسم احساس بروز خطر و تهدید ایران برای کشورهای غرب آسیا و فراهم ساختن زمینه شکل‌گیری مفروضات دلخواه بازیگر امنیتی کننده نزد این کشورها برای قضاوت در خصوص اقدامات ایران تعقیب می‌شود. به برخی تکاپوهای ایالات متحده برای بازنمایی ایران به مثابه دگر بزرگ منطقه و مهیا سازی اعلام شرایط اضطراری علیه آن در ادامه اشاره می‌شود:

عصر جدیدی در خاورمیانه آغاز شده که مهم‌ترین ویژگی آن پایان تسلط آمریکا برای منطقه و تغییر آشکار موازنه قدرت به سود ایران است، تغییری که باید از گسترش آن ممانعت نمود (Hass, 2006). ایران با توسعه برنامه هسته‌ای، موشکی و پهبادی و حمایت از گروه‌های نیابتی، منطقه‌ی غرب آسیا را با بی‌ثباتی و بحران روبه‌رو کرده است (متیس، ۲۰۱۷). ایران با توسعه‌طلبی و تجاوزگری به دنبال هژمونی منطقه‌ای و تسلط بر کشورهای منطقه است (Nasr & Takhye, 2008). ج.ا.طی به دنبال احیای امپراطوری پارس‌ها از طریق

۱۹۵

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

برسازی امنیتی
آمریکا از ایران در
ادراک غرب آسیا و
تنزل بهره‌ صلح در
اقتصاد سیاسی
منطقه

کمر بند شیعی است (کسینجر، ۱۳۹۳). ایران از گروه‌هایی که تهدیدی برای ثبات و یکپارچگی خاورمیانه محسوب می‌شوند حمایت نظامی و مالی می‌کند (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۱۳). انگیزه‌های ایران نه امنیت‌جویی و امنیت‌طلبی بلکه آزمندانه است (Taliaferro, 2000)، که قابل این‌همانی و مقایسه با نمونه پارادایمیک دولت آزمند یعنی آلمان هیتلری است (Glaser, 2010: 35-37). «ریچارد مورفی» معاون وقت وزیر خارجه آمریکا در این راستا خاطر نشان می‌سازد که آمریکا اجازه نمی‌دهد رژیم‌های عربی خاورمیانه توسط ایران بی ثبات شوند و ایران دوستان منطقه‌ای آمریکا را تهدید کند (روزنامه رسالت، ۱۳۸۷/۳/۲۱). «رابرت گیتس» وزیر دفاع اسبق آمریکا در چهارمین کنفرانس امنیتی منامه پیشنهاد می‌کند با هدف مقابله با تهدید موشک‌های بالستیک میان برد ایران یک «چتر دفاع موشکی موثر» در غرب آسیا مستقر شود (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۵/۲/۹). واقعیت این است که امروز منافع مشترک میان عربستان سعودی، بحرین، اسرائیل و امارات پدید آمده و همه آنها به این باور مشترک دست یافته اند که ملت‌هایشان با خطری مشترک به نام ایران مواجه هستند (پمپئو، ۲۰۱۹). «مایک پنس» معاون وقت رئیس‌جمهور آمریکا ایران را بزرگترین تهدید برای منطقه غرب آسیا معرفی می‌کند (خبرگزاری آنا، ۲۰۱۹/۲/۱۸).

روزنامه نیویورک تایمز هدف از استقرار سپر دفاع موشکی در خلیج فارس را محدود کردن ایران عنوان می‌کند که به طور روز افزونی به قدرتمندترین بازیگر غرب آسیا تبدیل شده است (Sanger & Schmitt, 2010: 26). ایران برای تقویت ژئوپلتیک شیعه استراتژی‌های مختلفی را پیگیری کرده است که از میان آنها می‌توان به حمایت از نیروهای نظامی و احزاب طرفدار ایران و تلاش برای نفوذ بر رهبران منطقه از جمله عراق اشاره کرد (katzman, 2009: 2). ایران با اتکا به حزب الله و دیگر گروه‌های جهادی اقدامات مسلحانه آنها را هدایت می‌کند تا به منافع اولویت‌دار سیاست خارجی خود یعنی هژمونی در منطقه دست پیدا کند (lynch III, 2008: 44, 65).

حمایت ایران از ایدئولوژی اسلامی جنبش‌های رادیکال باعث بدگمانی در مورد نیات ایران از جمله در برنامه هسته‌ای و هراس از سیطره اسلام شیعی بر غرب آسیا به منبع موضع و کنش مشترک کشورهای غرب آسیا به ویژه رژیم‌های عربی در منطقه شده است (Baker and Hamilton, 2006: 25). نهادینه کردن اصطلاحاتی نظیر «جاه طلبی‌های ایران»، «جاه طلبی‌های شیعه» و بنیادگرایی اسلامی در ادراک غرب آسیا باعث شده است که در مورد ابعاد خطر ایران و ضرورت مقابله با آن بین حکومت‌های سنی عرب اجماع به وجود آید (Fuller, Winter, 2006-2007: 145-146). ایران اکنون توانمندی‌های راهبردی عظیمی دارد. آنها در میدان نبرد به سرآمدی رسیده‌اند یعنی مرحله‌ای که می‌توانند توان دیگران را از کار بیندازند (مکنزی، ۱۴۰۱).

بررسی سر مقاله‌های چهار روزنامه مهم غربی، گاردین، وال استریت ژورنال، واشنگتن پست و دیلی تلگراف در بازه زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۳) نشان از تراکم واژه‌ها و جملات حاوی بار منفی مانند بمب و سلاح هسته‌ای، بیمناکی و تردید، حمله، تعلیق و توقیف، تهدید، تحریم، پنهان کاری و نگرانی در مورد برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران دارد (امیدی و مرادی فر، ۱۳۹۳: ۱۳۵). ایران در حال ظهور در تلاش برای تسلط بر خاورمیانه و کسب هژمونی در این منطقه است (meridor, 2008). تمایل عربستان سعودی به ایستادگی در مقابل تهدید ایران، اهرمی در جلوگیری از گسترش هرج و مرج است (Reagan, 1986). تهدید ایران می‌تواند یک مسابقه تسلیحاتی خطرناک و غیرمسئولانه را در خاورمیانه ایجاد نماید (Bush, 2006).

دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و شیوه‌های رسانه‌ای در برجسته‌سازی توان موشکی و نظامی ایران این قبیل ابهامات را طرح می‌کنند که هنگامی که یک رژیم مانند جمهوری اسلامی آشکارا اعلام می‌کند در صدد از بین بردن سایر ملت‌هاست، در صورت دست یافتن به سلاح هسته‌ای چه می‌کند (Pbs, 2015: 6). اگر موشک‌های ایرانی به جنگ افزارهای هسته‌ای مجهز شوند ایران چه اقدامی در خصوص کشورهای همسوی با آمریکا

(متحدین منطقه‌ای) انجام خواهد داد (Discovery, 2016:4). ایران منبع ترویج تروریسم در خاورمیانه است که منطقه مذکور را تبدیل به مکانی کرده که ۱۸۰ درجه با چیزی که ما می‌خواهیم متفاوت است (Sanger & Schmitt, 2010:26).

آمریکایی‌ها با بازنمایی نمادهای شیعی و همچنین تصویر برخی مسئولان عالی رتبه ایران در کنار افراد غیرمحبوب در برخی رسانه‌ها و نشریه‌های آمریکایی مانند شبکه CNN، نشریه نیوزویک، شبکه فاکس نیوز و روزنامه واشنگتن پست به مخاطب این پیام را القا می‌نمایند که رهبران ایران با تکیه بر فرهنگ شیعی هنجارهای بشردوستانه را رعایت نمی‌کنند و با مشارکت با سایر جریان‌های شیعه مذهب، در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت می‌کند (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶: ۱۱۸-۱۱۵). بهره‌گیری از مفاهیمی چون هلال شیعی^۱، تجدید حیات شیعه^۲، خیزش شیعه، پان شیعیسم، شیعه بین‌الملل، رنسانس شیعه، بلوک شیعه، امپراطوری شیعه، شیعیستان و بیداری شیعه^۳، بخشی از بزرگ‌نمایی و غیرمتعارف‌سازی ایران است (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۹۸: ۱۱).

نه تنها در بعد رسانه‌ای بلکه از لایه لای دکتربین‌های مختلفی که استراتژی امنیت ملی این کشور را در چند دهه اخیر تشکیل داده‌اند، از جمله دکتربین اجماع استراتژیک ریگان، نظم نوین جهانی بوش پدر، مهار دوجانبه کلینتون، بازدارندگی استراتژیک بوش پسر و دکتربین فشار حداکثری دونالد ترامپ تکاپوی برسازای چهره‌ای منفی از ایران به مثابه بازیگری هرج و مرج طلب و بر هم زننده نظم و امنیت منطقه‌ای و لزوم بازدارندگی و مهار آن از یک سو

1 - Shia Crescent

هلال شیعی اولین بار توسط عبدالله دوم پادشاه اردن در سال ۲۰۰۴م و در خلال به قدرت رسیدن شیعیان در عراق فراگیری سیاسی وسیعی یافت. اصطلاح یاد شده غالباً از سوی کسانی استفاده می‌شود که درصدد القای نوعی خطر در خصوص توسعه روابط شیعیان عراق با جهان خارج خصوصاً ایران هستند.

2 - Shia Revival

3 - Shia Awakening

و حفظ امنیت متحدان آمریکا از جمله در غرب آسیا از دیگر سو قابل مشاهده است. در مجموع باید گفت که آمریکا به عنوان بازیگر امنیتی کننده براساس اهداف، ادراک و دریافت خود به تصویرسازی منفی از ایران وارزش‌گذاری آن به مثابه تهدید و خطر در ادراک نخبگان سیاسی و افکار عمومی غرب آسیا می‌پردازد. نکته اصلی پیوند دادن این شاخص‌ها به مفاهیمی است که کارکرد آنها تولید و برسازای ایران به عنوان «دیگری»^۱ است. به طوری که مخاطبین با کنار هم قراردادن این ویژگی‌ها، یک تصویر تهدیدانگار از ایران در ادراک خود ترسیم کنند.

طبیعتاً ویژگی بارز و مهم این شخصیت‌سازی از سوی آمریکا با همراهی رسانه‌ها و مطبوعات غربی در فرآیند امنیتی‌سازی توجه به اصل استمرار و گذشت زمان است که از طریق اثرگذاری بر ذهن و باورها موجب شکل‌گیری و ساخت تصویری تهدیدآمیز از ایران شود. رویه یاد شده با محور قراردادن و تمرکز بر مقولاتی که در ذات خود بیانگر تهدید و خشونت می‌باشند به شخصیت‌سازی تهدیدانگار از ایران منجر گردیده و به دنبال پرورش و بازتولید تصور تهدیدآمیز از ایران در ادراک نخبگان و افکار عمومی کشورهای غرب آسیا است. لذا مرحله دوم در امنیتی شدن ایران در ادراک غرب آسیا مرحله متقاعد کردن نخبگان و افکار عمومی این کشورها به عنوان مخاطبان هدف است. واقعیت آن است که آمریکا در این مرحله نیز توانسته تا حدود زیادی افکار عمومی کشورهای غرب آسیا را متقاعد کند که موجودیت آنها به طور جدی توسط ایران در معرض تهدید فوری قرار دارد (Spindle and Coker, 2011).

تحقیقات و نظر سنجی‌های موجود گویای شکل‌گیری نوعی هراس از ایران در ادراک غرب آسیا و احساس ضرورت مقابله با آن نزد این کشورها است. گزارش شاخص‌های عربی (۲۰۱۷/۲۰/۸) که سالانه توسط «مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی» اجرا و نتایج آن منتشر می‌شود و هدفش ارائه

تصویری از جهت‌گیری افکار عمومی جهان عرب در قبال موضوعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است نشان می‌دهد که ۶۴ درصد نمونه‌ها سیاست خارجی ایران در جهان عرب را منفی یا تا حدی منفی ارزیابی کرده‌اند. در مقابل تنها ۲۱ درصد آن را مثبت تلقی کرده‌اند. در گزارشی درباره ایران مجموع نظر منفی در سال ۲۰۱۴، ۵۲ درصد در ۲۰۱۵، ۶۲ درصد و در ۲۰۱۶ حدود ۷۱ درصد بوده است یکی دیگر از محورهای نظرسنجی افکار عمومی غرب آسیا در گزارش شاخص‌های عربی (۲۰۱۷/۲۰۱۸) پرسش دیگر این گزارش درباره تأثیر سیاست قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بر امنیت و استقرار منطقه بوده که ۶۷ درصد از پاسخ‌دهندگان ایران را به عنوان تهدیدی برای امنیت و استقرار منطقه تلقی کرده‌اند (مرکز ریاست جمهوری، ۱۳۹۷: ۱۳-۱). جدول شماره یک ادراک تهدید کشورهای غرب آسیا نسبت به دیگر کشورها علیه آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ادراک تهدید کشورهای غرب آسیا به دیگر کشورها

مجموع	مدم وجود تهدید	سی‌نامت جواب ندادن	سازمان‌های شبه دولتی مسلح	دولت‌های غیرعربی منطقه	دولت‌های اروپایی	دولت‌های دیگر	ترکیه	فرانسه	دولت‌های عربی	ایران	ایالات متحده آمریکا	اسرائیل	بلد تهدید
۱۰۰	۱۸	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۴	۷	۱۲	۵۱	اردن
۱۰۰	۰	۴۳	۰	۰	۱	۰	۱	۱۹	۱۴	۰	۱۱	۱۱	تونس
۱۰۰	۱۰	۱۴	۰	۰	۰	۰	۶۱	۱	۱	۰	۲	۱۱	الجزایر
۱۰۰	۱۰	۳۸	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۵	۴۹	۳	۴	عربستان
۱۰۰	۴	۷	۰	۴	۰	۱	۰	۲	۱۵	۶	۳۷	۲۴	سودان
۱۰۰	۰	۱	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۳۰	۵۰	۳۱	۶	عراق
۱۰۰	۸	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۳	۱	۱۳	۸۱	فلسطین
۱۰۰	۲	۴	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۱	۲۴	۲۵	۲۳	کویت
۱۰۰	۶	۴	۰	۰	۲	۱	۰	۲	۵	۱۹	۱۷	۴۸	لبنان
۱۰۰	۳۷	۲۴	۰	۰	۲	۱۸	۰	۱۷	۱۴	۴	۱۰	۲۵	مصر
۱۰۰	۰	۵۸	۵	۰	۲	۱	۰	۲	۲۰	۱	۳	۳	مغرب
۱۰۰	۱۵	۱۰	۰	۲	۰	۲	۰	۳	۳	۵	۱۲	۱۳	موریتانی
۱۰۰	۹	۱۸	۰	۰	۱۳	۱۳	۰	۰	۵۵	۹	۷	۳	قطر
۱۰۰	۹	۱۸	۰	۰	۰	۱	۲	۵	۱۱	۱۳	۱۴	۲۳	میانگین

منبع: (حسین زاده به نقل از مرکز عربی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

در نظرسنجی دیگری که مرکز اطلاعات الجزیره بین ۳۰ سپتامبر و ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ درباره تلقی نخبگان غرب آسیا در رابطه با روابط اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی ایرانیان و اعراب شامل کشورهای مصر، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین، عربستان سعودی، قطر، بحرین، کویت، امارات متحده عربی، عمان، یمن، لیبی، سودان، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی، جیبوتی و سومالی انجام داده، نشان می‌دهد جامعه آماری یاد شده روابط

امنیتی و سیاسی بین ایران و جهان عرب را بد یا بسیار بد توصیف کرده‌اند و نگرانی مشترک آنها افزایش برتری ایران در منطقه بوده است. در انتخاب بین ۴ چالش بسیار جدی در روابط ایران و اعراب، ۳۹ درصد از نخبگان یاد شده اظهار داشته‌اند تقلاً بر سر نقش‌های سیاسی و نفوذ، نخستین چالشی است که روابط دو طرف راتحت تأثیر قرار می‌دهد. دومین چالش عمده، مداخله ایران در جهان عرب و سومین چالش تفاوت فرقه‌ای و چهارمین مساله مداخله غرب تلقی شده است. ۸۸ درصد کارشناسان بر این باور بوده‌اند که مسأله حمایت ایران از فلسطین ابزاری برای افزایش نقش ایران در منطقه، مخالفت با اسرائیل و توجیه مداخله‌اش در سوریه است.

هم‌چنین با وجود غیر دموکراتیک بودن و ساخت متصلب قدرت در اغلب نظام‌های سیاسی در جامعه آماری مورد سنجش، ۹۲ درصد کارشناسان در پاسخ به الگو قرار دادن حکومت ایران گفته‌اند که ایران مدلی نیست که بتوان در اداره حکومت از آن الگو برداری کرد. در ارزیابی دموکراسی در ایران و درجه‌بندی یک تا ده (یک کاملاً غیردموکراتیک) ۶۶ درصد پاسخ دهندگان ایران را بین یک، دو و سه ارزیابی کرده‌اند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴/۱۱/۶ به نقل از مرکز نظرسنجی اطلاعات الجزیره).

آمریکا و رسانه‌های غربی به عنوان بازیگران امنیتی کننده و کارکردی از شرایط تسهیل کننده که بعضاً از سوی مجامع و موضع‌گیری نخبگان سیاسی و حکومتی و رسانه‌های داخل ایران در اختیارشان قرار گرفته نیز به خوبی جهت ایجاد هراس از ایران استفاده کرده‌اند. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: حمله به کنسولگری عربستان در مشهد و سفارت آن کشور در تهران و به آتش کشیدن سفارت‌خانه و کنسولگری آن در دی‌ماه ۱۳۹۴ (هادی زنوز، ۱۳۹۸: ۱۰۱). طرح گزاره صادرات نفت عربستان را به صفر می‌رسانیم در رسانه‌های ایران (روزنامه کیهان، ۱۳۹۸/۱/۲۴). انفجارهای فجیره (امارات) خواب از سر شیوخ مرتجع عرب پراند (روزنامه کیهان، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

عراق نه تنها بخشی از حلقه تأثیرگذاری ایران محسوب می‌شود بلکه مثل گذشته‌های دور بخشی از فرهنگ، هویت و پایتخت ایران است (یونسی، ۱۳۹۳) امروز حشدالشعبی عراق، ایران است، حماس ایران است، اصلاً شما نگاه کنید ایران کجاست امروز، مگر جنوب لبنان ایران نیست؟ مگر حزب الله ایران نیست، مگر این پهبادهایی که یمنی‌ها فرستادند و سعودی‌ها را به خاک سیاه کشاندند ایران نبود؟ می‌گویند این پهبادها از شمال آمده، هم جنوبتان ایران است، هم شمالتان (علم الهدی، ۱۳۹۸). شلیک موشک انصارالله به ریاض، هدف بعدی دبی، موشک‌ها در راه است، دبی، ابوظبی و ریاض را تخلیه کنید (روزنامه کیهان، ۱۳۹۶/۸/۱۵). اگر ایران بزرگ در شمال خلیج فارس و دریای عمان به وجود آید، ۱۵ کشور به ایران وصل می‌شود و اگر ایران بزرگ شکل بگیرد در سیاست دنیا دخالت می‌کند (رضایی، ۱۳۹۹). ایران بر ۴ پایتخت کشورهای عربی تسلط و کنترل دارد (مصلحی، ۲۰۱۶).

امنیتی‌سازی آمریکا از ج.ا.ا در غرب آسیا و افزایش مخارج نظامی در منطقه

مرحله سوم امنیتی شدن ایران انجام اقدامات محدود کننده (تحریم، تهدید و جنگ) بر علیه آن به عنوان تهدید وجودی بوده است. یعنی پس از موفقیت آمریکا به عنوان بازیگر امنیتی کننده در متقاعد سازی مخاطبان خود اعم از نخبگان سیاسی و افکار عمومی در تلقی از ایران به مثابه یک تهدید به همراه آنها اقدام به تصویب و اعمال اقدامات بی حد و حصر از جمله تحریم، تهدید، ترور و ... بر علیه ایران نموده است تا آن را محدود کرده و یا در معرض طرد، حذف و زوال قرار دهد. هر چند ایران تنها کشوری نیست که تا کنون در فهرست تحریم‌های آمریکا و دیگر قدرت‌های صنعتی غرب قرار گرفته است. تحریم درازمدت کشور کوبا بعد از انقلاب کمونیستی، تحریم نفتی عراق در دوره صدام حسین، تحریم لیبی در دوره قذافی، تحریم‌های آمریکا علیه کره شمالی، تحریم ونزوئلا در دوره هوگو چاوز و جانشین او و تحریم‌های اخیر آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه از دیگر نمونه‌ها است.

با این حال ایران مشمول بیشترین تحریم‌ها از ناحیه آمریکا شده است و با ۱۷۳۳ مورد تحریم در صدر کشورهای تحت تحریم توسط آمریکا قرار دارد (مروی، ۱۴۰۰). مقامات آمریکایی طی چند دهه اخیر با اظهارات خود (تهدیدها و قول‌ها) که آنها را بیانات دفاعی یا به اختصار «Defcon» می‌نامند و دارای پنج سطح گوناگون است و بیشتر برای بیان تهدید از آن استفاده می‌شود که شدت «Defcon-5» حداقل شدید و «Defcon-1» شدیدترین می‌باشد همواره به تهدید ایران پرداخته‌اند. طوری که همه روسای جمهور آمریکا در چهار دهه گذشته از کارتر گرفته تا بایدن، علیرغم طرح سطوح متفاوتی از تهدیدها، اما همواره با زبان زور و تهدید با ایران مواجهه شده‌اند. مثلاً سیاست دولت اوپاما در کاربرد زور بر علیه ایران محتاطانه بود بیشتر بین «Defcon-3 و Defcon-4» در حالی که جمهوری خواهان مثل ریگان و ترامپ سطح تهدیدشان بسیار جدی‌تر بوده بین «Defcon-2 و Defcon-1» و همه تلاش کردند با استفاده از این روش تصویری خاکستری و در برخی موارد سیاه از ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای بازنمایی کنند و بدین ترتیب آن را امنیتی و در نهایت محدود و طرد نمایند (شعرباف، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

در کنار اعلام وضعیت اضطراری و اقدامات بی‌حد و حصر آمریکایی‌ها علیه ایران داده‌های یاد شده در بخش قبلی پژوهش نشانگر آن است که تکاپوی این کشور برای تصویرسازی منفی از ایران و متعاقباً امنیتی‌سازی آن در غرب آسیا از سوی مخاطبان منطقه مذکور نیز پاسخ مناسبی دریافت کرده است. این کشورها نه تنها در ادراک و باورها بلکه در جهت‌گیری و رفتار خود به اقداماتی نظیر افزایش مستمر هزینه‌های نظامی به منظور خرید تجهیزات پیشرفته و افزایش توان باز دارندگی خود برای مقابله با ایران مبادرت نموده‌اند. تکیه بیش از اندازه کشورهای منطقه غرب آسیا به آمریکا و تقویت روابط دفاعی امنیتی خود با آن کشور در قالب تنظیم و اجرای یک رشته موافقت‌نامه‌های پدافندی در این چارچوب قابل فهم است. نکته حائز

اهمیت کاربرد توافقات یاد شده در دسترسی آمریکا به پایگاه‌ها و امکانات نظامی کشورهای منطقه و فروش بیشتر سلاح به آنها است. هم‌چنین در کنار تمرکز جدی مقامات کشورهای مختلف غرب آسیا به توانمند سازی تسلیحاتی خویش اقدام به تشکیل سازمان دفاعی مشترک برای حفاظت از خود در برابر تهدید ایران نموده‌اند.

آنان برای کارایی هر چه بیشتر سازمان دفاعی یاد شده به خریدهای کلان تسلیحاتی روی آورده و مقابله با تهدید ناشی از ایران برایشان بعضاً به موضوعی حیاتی تبدیل شده است. تلقی از ایران به عنوان تهدید نخست خود، هزینه‌های سنگین عظیم نظامی و برگزاری مانورهای مشترک در راستای موازنه سازی در برابر ایران و حتی تکاپوی ایجاد مجمع امنیتی با اسرائیل به منظور دفاع منطقه‌ای مشترک در قبال آنچه آن را مقابله با تهدید ایران می‌نامند از نمادهای ادراک تهدید شکل گرفته علیه ایران در پرتو پروژه امنیتی سازی این کشور توسط ایالات متحده در منطقه است (پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد نیوز، ۱۴۰۱/۳/۲۵).

واقعیات بیانگر آن است که اغلب کشورهای منطقه غرب آسیا نیز، همواره با تحریم‌های آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل بر علیه ایران همکاری کرده‌اند و اگر در مواردی مانند امارات متحده عربی نیز اقدام به تخطی از تحریم‌ها نموده و به مبادلات تجاری و بازرگانی با ایران پرداخته‌اند بیشتر بر اساس نگاه ابزاری و سودانگارانه قابل فهم است. این کشورها اغلب از تهدیدات آمریکا بر علیه ایران حمایت کرده و حتی خود نیز به طور جداگانه در بسیاری از مقاطع به تهدید ایران پرداخته‌اند. از نمونه‌های اخیر آن تهدید «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان مبنی بر «کشاندن جنگ به داخل ایران» است (سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۱۰/۹). در گذشته نیز کشورهای غرب آسیا از جنگ عراق بر علیه ایران نیز حمایت کرده و آن را منازعه‌ای بین ایران و جهان عرب معرفی می‌کردند که عراقی‌ها در خط مقدم آن قرار داشتند. شاه حسین اردن مظنون بود که روحانیون ایران می‌خواهند سلطنت وی را بی‌ثبات ساخته و

آن را به یک جمهوری بنیادگرا تحت حکمرانی فلسطینی‌ها تبدیل کنند. بنابراین معتقد بود باید از بغداد حمایت کرد. «ملک خالد» پادشاه وقت عربستان به دلیل اینکه عراق را سدی طبیعی در مقابل صدور انقلاب تهاجمی حکومت ایران می‌دانست، از صدام حسین حمایت کرد (صفرزایی، ۱۳۹۹). عربستان از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق پرداخت کرده و به این کشور تضمین داد که حق تزانزیت خریدهای تسلیحاتی از کل جهان را در اختیارش قرار دهد، دریافت اجناس را برای عراق ممکن ساخت و به آن اجازه داد تا از منطقه‌ای بی‌طرف بین دو کشور روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت استخراج نموده و به فروش برساند. کویت پس از عربستان سعودی به بزرگترین تأمین کننده مالی عراق بدل شد و در طول هشت سال جنگ، ۱۵ میلیارد دلار کمک مالی به بغداد اعطا نمود. هم‌چنین جزیره استراتژیک بوبیان را از آغاز تا پایان جنگ به عنوان پایگاه موشکی و باند پرواز هواپیما در اختیار عراق قرار داد. امارات متحده عربی ۵ میلیارد دلار به اقدامات جنگ طلبانه عراق علیه ایران اختصاص داد (صفرزایی، ۱۴۰۰). مصر تسلیحات نظامی و موشک به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار به صورت رایگان در اختیار عراق قرار داد. اردن نیروی نظامی به عراق اعزام نمود و سودان صدها تن از نیروهای ارتش را برای جنگ با ایران به عراق اعزام کرد (فرهنگ‌زاده، ۱۴۰۰).

جدول ۲: منابع مالی اختصاص یافته به عراق در جنگ با ایران

منابع مالی تأمین کننده هزینه اقدامات جنگی ارتش عراق	ارقام به میلیارد دلار
وام شیخ نشین‌های نفتی	۸۰
درآمد حاصل از نفت که به تأمین جنگ اختصاص یافته	۳۸
وام کشورهای متعدد غربی	۲۰
کمک‌های اعتباری کشورهای متعدد کمونیست	۹
اوراق قرضه منتشره توسط بانک مرکزی عراق	۳
مجموع	۱۵۰

منبع: (Razoux, 2015: 560)

جدول بالا نشان می‌دهد ۵۴ درصد کل هزینه‌های مالی اقدامات جنگی ارتش عراق علیه ایران در جنگ تحمیلی یعنی چیزی بیش از دو برابر درآمد عراق از نفت، ۲۲ برابر اوراق قرضه منتشر شده توسط بانک مرکزی عراق، بیش از ۴ برابر کمک مالی کشورهای غربی و ۹ برابر کمک‌های کشورهای کمونیست به ارتش صدام، توسط شیخ نشین‌های نفتی حاشیه خلیج فارس تأمین گردید.

برآیند امنیتی‌سازی ایران بر تنزل بهره صلح در غرب آسیا

منظور از بهره صلح انتفاعی است که از کاهش هزینه‌های دفاعی به دست می‌آید. مفهوم یاد شده در پایان دوره جنگ سرد، از زمانی که دولت‌های غربی هزینه نظامی خود را به شدت تقلیل دادند رایج گردید (Streeten, 1994: 232-237). کاهش بهره صلح با افزایش مخارج نظامی - دفاعی از طریق اثر جایگزینی این مخارج با هزینه‌کرد غیرنظامی اتفاق می‌افتد و به طور کلی به تنزل هزینه‌های زیربنایی دولت در امور اقتصادی، اجتماعی و زیرساخت‌ها دلالت دارد (yildirim et al, 2011: 811).

برسازی ایران به عنوان بازیگر امنیتی شده در ادراک غرب آسیا به پدید آمدن منطقه آنومیک، جغرافیای خصمانه و به شدت رقابتی میان کشورهای منطقه و ایران انجامیده است. برآیند وضعیت یاد شده ظهور معمای امنیت و به تبع آن افزایش مستمر هزینه‌های نظامی و کاهش بهره صلح در غرب آسیا بوده است. «جان هرترز» در تعریف معمای امنیت بر وقوع بدترین سناریو تأکید دارد و معتقد است از آنجایی که هیچ دولتی در جهان نمی‌تواند از واحدهای رقیب احساس امنیت کامل داشته باشد، رقابت بر سر قدرت ایجاد می‌شود و دور باطل انباشت امنیت و قدرت تداوم می‌یابد (Hertz, 1950: 157). «رابرت جرویس» نیز، معمای امنیت را تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود که باعث کاهش امنیت دیگر دولت‌ها می‌شود معنا می‌کند و معتقد است هرچه دولت‌ها نگرانی بیشتری برای امنیت داشته باشند، حساسیت بیشتری نسبت به تهدیدات ولو کوچک نشان می‌دهند و سطح بالایی از تسلیحات را طلب

می‌کنند (Jervis, 1970:18). آنان احساس می‌کنند امنیت‌شان با خطر جدی مواجه شده و بین ایجاد حالت امنیت برای خود و رویکرد نظامی‌گری رابطه‌ای ضروری برقرار می‌کنند (Waltz, 1988:48). بر این اساس تلاش مستمر کشورها حداکثرسازی توان نظامی و دفاعی و فعال نگه داشتن ماشین نظامی خود است (Mearsheimer, 1990:52). برآیند این وضعیت تشدید هرچه بیشتر رقابت تسلیحاتی و تنزل بهره صلح است (Chivers & Schmitt, 2013). داده‌های مربوط به سهم مخارج نظامی از بودجه عمومی و تولید ناخالص داخلی کشورهای غرب آسیا در بازه زمانی ۱۹۸۸-۲۰۲۰ که در جدول شماره ۳ ترسیم شده، مدعای پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

۲۰۷

جدول ۳: درصد هزینه‌های نظامی از بودجه عمومی دولت‌ها در غرب آسیا (۱۹۸۸-۲۰۲۰)



برسازای امنیتی
آمریکا از ایران در
ادراک غرب آسیا و
تنزل بهره صلح در
اقتصاد سیاسی
منطقه

سال	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	
غرب آسیا	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	
بحرین	-	-	۱۱.۳	۱۷	۱۶.۷	۱۶.۸	۱۶.۳	۱۷.۱	۱۸.۳	۱۶.۶	۱۷.۶	۱۷	۱۷.۲	۱۷.۲	۱۷.۶	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸.۸
قطر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰.۶	۱۰.۶	۸	۸	۸
ایران	-	-	۱۱.۸	۱۲.۸	۸.۸	۸.۱	۷.۶	۸.۸	۱۰.۶	۱۱.۸	۱۲.۸	۱۲.۶	۱۲	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸
عراق	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱.۸
اسرائیل	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۲.۸
اردن	۲۱	۲۱.۲	۱۷.۸	۲۲.۱	۱۸.۲	۱۸.۸	۱۸.۷	۱۲.۳	۱۶.۳	۱۷.۷	۱۷.۸	۱۸.۶	۱۸.۳	۱۷.۸	۱۸.۸	۱۷.۱	۱۶.۱	۱۶.۱	۱۶.۱	۱۶.۱
کویت	-	-	۲۲.۶	۲۷.۸	۲۲	۲۰.۳	۲۲.۷	۲۱.۸	۲۲.۱	۲۸.۸	۱۶.۸	۱۶.۸	۱۸.۶	۱۷.۸	۱۷.۷	۱۷.۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
لبنان	-	-	۱۸.۱	۱۲.۷	۲۲.۱	۲۶.۱	۱۸	۲۱.۸	۱۶.۲	۱۰.۸	۱۱.۷	۱۶.۶	۱۲.۸	۱۲.۲	۱۶.۱	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
عمان	-	-	۲۸.۶	۲۸.۸	۲۶.۸	۲۸.۱	۲۸.۸	۲۸	۲۸.۸	۲۶.۷	۲۶	۲۶.۷	۲۶.۶	۲۶.۷	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶
قطر	-	-	۲۸.۳	۲۷.۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱.۶
عمان سعودی	-	-	۲۸.۱	۲۷.۳	۲۶.۸	۲۶.۳	۲۸.۱	۲۸.۳	۲۶.۷	۲۶.۷	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶	۲۶.۶
سوریه	-	-	۲۱.۳	۲۰.۱	۲۶.۳	۲۱.۶	۲۱.۳	۲۲.۱	۲۱.۸	۲۰.۳	۲۰.۱	۲۰.۷	۱۸	۱۸.۸	۱۷.۱	۱۸.۱	۱۷.۷	۱۷.۸	۱۷.۸	۱۷.۸
امارات متحده عربی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۸.۲	۲۰.۶	۲۰.۷	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲	۲۶.۲
یمن	-	-	۲۱.۶	۲۸.۳	۲۸.۸	۲۶.۱	۲۶.۱	۲۶.۳	۱۷	۱۷.۷	۱۸.۳	۱۸.۸	۱۸.۸	۱۸	۲۶.۱	۲۶.۱	۲۶.۱	۲۶.۱	۲۶.۱	۲۶.۱

Source: <http://www.sipri.org/> Data bases/ military expenditure expressed as a percentage of general government expenditure, and are for calendar year except where otherwise, stated, (1988-2020) © SIPRI.

جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین درصد هزینه‌های نظامی از بودجه عمومی دولت برای غرب آسیا ۲۳/۲۳ درصد است که نسبت به استاندارد آن که اغلب پایین‌تر از ۱۰ می‌باشد نرخ بسیار بالاتری را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۴: نسبت مخارج نظامی به تولید ناخالص داخلی در غرب آسیا

(۱۹۸۸-۲۰۲۰)

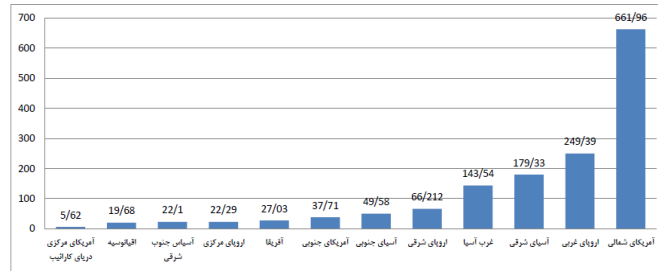
کشورهای آسیای غربی	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
بحرین	۵/۶	۵/۶	۵/۳	۵/۷	۵/۹	۵/۴	۶/۵	۵/۲	۵/۳	۵/۱	۵/۳	۵/۵	۴	۴/۱	۴/۶	۴/۷	۴	۳/۲
مصر	۵/۱	۴	۳/۵	۳/۶	۳/۲	۳/۱	۳/۲	۳/۱	۳	۲/۸	۲/۷	۲/۶	۲/۶	۳	۳/۳	۳/۲	۲/۹	۲/۷
ایران	۶/۳	۴/۶	۲/۹	۲/۱	۱/۸	۱/۷	۱/۵	۱/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۵	۲/۶	۲/۴	۲/۳	۲/۲	۲/۴	۲/۸	۳
عراق	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱/۷
اسرائیل	۱۵/۹	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۵/۶	۱۰/۹	۱۱/۵	۱۰/۱	۷/۹	۷/۷	۷/۵	۷	۶/۵	۶/۳	۶/۵	۶/۶	۶/۵	۶/۴	۶/۳
اردن	۹/۴	۹/۱	۷/۸	۱۰	۶/۹	۷	۶/۵	۴/۵	۶	۶/۱	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۵/۵	۵/۴	۶	۵/۱	۴/۸
کویت	۸/۲	۸/۵	۴/۸/۵	۱۱/۷/۳	۳/۱/۸	۱۲/۴	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۰/۳	۸/۱	۸/۸	۷/۶	۷/۲	۷/۷	۷/۴	۶/۵	۵/۸	۴/۳
لبنان	۱/۲	-	۷/۶	۵/۲	۸	۶	۷	۵/۷	۶/۷	۴/۳	۴	۴/۸	۵/۴	۵/۴	۴/۸	۴/۷	۴/۵	۴/۵
عمان	۱۳/۷	۱۲/۵	۱۲/۴	۱۱/۱	۱۲/۲	۱۱/۵	۱۱/۸	۱۱	۹/۴	۹/۴	۹/۵	۸/۶	۸/۱	۹/۴	۹/۳	۹/۱	۹	۸/۸
قطر	۱۶/۳	۱۳/۱	۱۰/۷	۱۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳/۹	۳/۳	۲/۴
سوریه	۷/۹	۸	۶/۹	۱۰/۴	۹	۷/۲	۷/۴	۶/۹	۶	۵/۹	۵/۸	۵/۸	۵/۵	۵/۵	۵/۴	۶/۲	۵/۵	۵
امارات متحده عربی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶/۸	۸/۶	۷/۷	۸/۳	۵/۶	۴/۹	۴/۷	۴/۷	۳/۷
یمن	-	-	۶/۶	۷	۷/۳	۷/۱	۸/۴	۶/۴	۵/۳	۵/۸	۶/۱	۵/۲	۴/۹	۵/۵	۶/۹	۶/۹	۵/۳	۴/۹

Source: <http://www.sipri.org/> Data bases/ military expenditure by country as percentage of gross domestic product (1988-2020) © SIPRI2021

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد از نظر سهم مخارج نظامی در تولید ناخالص داخلی، کشورهای غرب آسیا با اختصاص ۵/۸ درصد تولید ناخالص داخلی خود به هزینه‌های نظامی در جایگاه بالایی قرار دارند. استاندارد شاخص یاد شده ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است. بررسی میزان هزینه‌های نظامی مناطق مختلف دنیا از سال ۲۰۲۰-۱۹۸۸ نشان می‌دهد که منطقه غرب آسیا بعد از مناطقی مانند آمریکای شمالی، اروپای غربی و آسیای شرقی چهارمین منطقه از لحاظ هزینه‌های نظامی است که با توجه به حجم اقتصادی و تولید ناخالص داخلی اکثر این دولت‌ها رقم قابل تأملی است. نمودار شماره یک گویای این موضوع است.

نمودار ۱: مخارج نظامی در مناطق مختلف دنیا

مقایسه هزینه‌های نظامی مناطق مختلف جهان



۲۰۹

source: [http://www.sipri.org/Databases/military_expenditure_by_region,in_constant\(2020\)us_s_Billion,1988-2020](http://www.sipri.org/Databases/military_expenditure_by_region,in_constant(2020)us_s_Billion,1988-2020) ©SIPRI2021

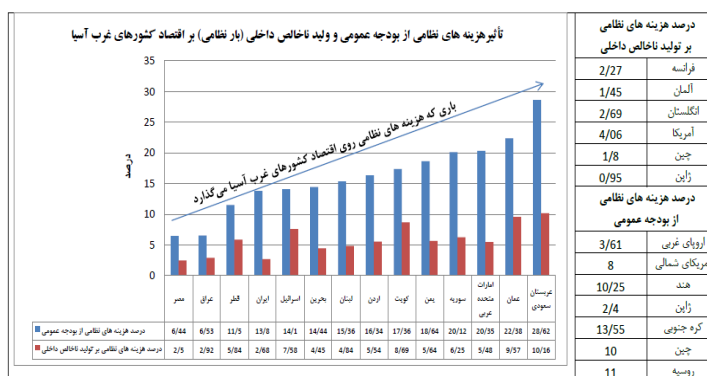


برسازي امنيتي
آمریکا از ایران در
ادراك غرب آسیا و
تنزل بهره صلح در
اقتصاد سياسي
منطقه

بر اساس گزارش مؤسسه سیپری درباره فروش سلاح در جهان، عربستان سعودی از مهم‌ترین کشورهای غرب آسیا بزرگترین وارد کننده تسلیحات در جهان به شمار می‌رود. تخمین زده شده است که این کشور ۱۱۶ میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ هزینه کرده که معادل ۲۴ درصد کل مخارج دفاعی عربستان سعودی در طول مدت یاد شده است. میزان واردات تسلیحات عربستان در بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در مقایسه با بازه زمانی پنج سال قبل از آن حدود ۱۳۰ درصد افزایش یافته است. عربستان ۱۱ درصد کل واردات تسلیحات جهان را طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ به خود اختصاص داده است. امارات متحده عربی نیز دومین هزینه کننده بزرگ نظامی در منطقه است. بر اساس برآوردها بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ حدود ۱۵ تا ۱۶ درصد بودجه دفاعی سالانه این کشور صرف خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی از پیمانکاران خارجی شده است. هم-چنین امارات بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ بیش از ۳ درصد کل واردات تسلیحات جهان را به خود اختصاص داده و نهمین وارد کننده تسلیحات در جهان بوده است (SIPRI yearbook, 2021:15). در مجموع واردات تسلیحات کشورهای غرب آسیا بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ حدود ۶۱ درصد افزایش یافته و ۳۵ درصد از کل واردات تسلیحات جهان را طی پنج سال گذشته به خود اختصاص داده است. در این راستا، بین ۶۰-۵۵

درصد از هزینه‌های نظامی منطقه غرب آسیا به طور مداوم متعلق به شش کشور شورای همکاری خلیج بوده است. براساس گزارش دیگری بیش از ۳۰ درصد از واردات تسلیحات جهان در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا تعلق داشته است (میلیتاری بالانس، ۲۰۱۸: ۳۱۹). همواره این شبهه وجود دارد که عربستان و امارات به این دلیل هزینه‌های نظامی بیشتری دارند که صادرات و تولید ناخالص داخلی (GDP) بیشتر و جمعیت کمتری دارند و بر همین مبنا این هزینه فشاری بر اقتصاد آنها وارد نمی‌کند اما نمودار زیر پاسخ قابل اعتنایی به این موضوع می‌دهد.

نمودار ۲: تاثیر مخارج نظامی بر اقتصاد کشورهای غرب آسیا



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار بالا در واقع با در نظر گرفتن شاخص مهم تولید ناخالص داخلی (GDP) هر کشور و همچنین احتساب درصد هزینه‌های نظامی و امنیتی از بودجه عمومی مولفه مهم بار هزینه‌های نظامی بر دوش اقتصاد یک کشور را منعکس می‌کند. آمار و ارقام نهاد‌های دولتی در عربستان نشان می‌دهد که این کشور به مدت ۷ سال از کسری بودجه رنج می‌برد. کلیات بودجه سال ۲۰۲۲ عربستان نشان می‌دهد که مالیات بیشتری بر شهروندان این کشور تحمیل شده و نیز برای کاهش هزینه‌ها مخارج دولت باید کاهش یابد (www.tasnimnews.com,04/11/1400).

نکته حائز اهمیت آن که بیشتر این تسلیحات از سوی آمریکا به این منطقه گسیل شده است. به عنوان نمونه در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ بیش از ۴۱ درصد از صادرات اسلحه آمریکا به متابه بزرگترین صادر کننده تجهیزات نظامی در دنیا به غرب آسیا صورت گرفته است (Blanchard, 2017). خرید جنون‌آمیز تسلیحات در منطقه و عقد قراردادهای متعدد آمریکا با دولت‌های غرب آسیا برای فروش سلاح را می‌توان نماد بارز افزایش هزینه‌های نظامی و کاهش بهره صلح در غرب آسیا تلقی نمود.

۲۱۱

بر این اساس باید گفت برسازی ایران به عنوان بازیگر امنیتی شده توسط آمریکا پروژه‌ای است که بر مبنای بزرگ نمایی واقعیت‌های موجود در منطقه غرب آسیا به طور خاص در قبال ج.ا.ا. اتفاق افتاده است. خطر ایران برای کشورهای منطقه غرب آسیا و ضرورت مقابله با آن زمینه‌ساز بسط روابط شکننده و توأم با تردید و بی‌اعتمادی بازیگران منطقه در قبال ایران و تشدید مسابقه تسلیحاتی شده است. طبق آمارهای موسسه سیپری هزینه‌های تسلیحاتی و نظامی در منطقه غرب آسیا از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۲۰ م همواره در حال رشد و افزایش بوده است و میزان مخارج نظامی این کشورها همواره تاثیر بسزایی در افزایش هزینه‌های تسلیحاتی جهان داشته است. به طوری که حتی در سال‌هایی مانند سال ۲۰۱۳ که به صورت کلی هزینه‌های تسلیحاتی جهان ۱/۹ درصد کاهش داشته، اگر نرخ کاهنده مخارج کشورهای اروپای غربی و مرکزی، آمریکای شمالی و اقیانوسیه را از داده‌های مذکور حذف کنیم در می‌یابیم که نه تنها هزینه‌های نظامی در این سال کاهش نداشته است بلکه از رشد ۱/۸ درصدی نیز برخوردار بوده است. بیشترین این رشد متعلق به کشورهای غرب آسیا مانند عربستان، امارات، عمان، قطر، بحرین و... بوده است (SIPRI fact sheet, 2014). داده‌های جدول شماره ۵ نیز نشان می‌دهد هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا چند سال پیش از رخداد انقلاب ایران در مقایسه با سال‌های اولیه متعاقب انقلاب اسلامی بسیار متفاوت است.



جدول ۵: مخارج نظامی کشورهای غرب آسیا در ۱۹۸۲-۱۹۷۶ (میلیون دلار)

سال \ کشور	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
امارات	۸۵	۵۲۵	۸۲۲	۱۱۹۶	۱۷۲۴	۲۰۴۳	۲۱۷۹
عربستان	۹۴۸۳	۹۵۶۲	۱۰۸۱۵	۱۳۹۱۴	۱۶۸۴۰	۲۰۶۷۹	۲۴۷۵۴
بحرین	۲۴	۳۸	۱۰۷	۱۴۳	۱۵۷	۲۱۴	۲۸۰
عمان	۷۸۵	۶۸۷	۷۶۸	۷۷۹	۱۱۷۹	۱۵۱۲	۱۶۸۵
قطر	۱۴۱	۲۱۱	۲۶۰	۴۷۴	۶۰۴	-----	-----
کویت	۱۰۷۵	۱۰۳۲	۱۰۶۴	۱۰۶۸	۱۳۰۱	۱۲۵۴	۱۶۳۸

منبع: (World Military Expenditure and Arms Transfers 1976-1982)

بر اساس داده‌های جدول شماره ۵ تمامی این کشورها دقیقاً همزمان با رخداد انقلاب ایران و متعاقب آن مخارج نظامی و تسلیحاتی خویش را به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش داده‌اند. این روند همان‌طور که قبلاً خاطر نشان گردید در بیش سه دهه اخیر استمرار داشته است. مقدار این هزینه‌ها برای عربستان ۱۰/۱۶ درصد، امارات ۵/۴۸، قطر ۵/۸۴، عمان ۹/۵۷، اردن ۵/۵۴، بحرین ۴/۴۵، کویت ۸/۶۹ درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها است. این میزان برای فرانسه در طی همین دوره زمانی ۲/۲۷ درصد، آلمان ۱/۴۵، انگلستان ۲/۶۹، آمریکا ۴/۰۶، چین ۱/۸۰ و ژاپن ۰/۹۵ درصد است. مقایسه داده‌های مذکور نشان می‌دهد بیشترین نسبت بودجه نظامی به تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان مربوط به کشورهای غرب آسیا است. بر اساس گزارش میلیتاری بالانس نیز این مقدار برای کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا ۵/۴ درصد است در حالی که میانگین جهانی آن بر اساس گزارش‌های موسسه مذکور ۱/۹ درصد است (امیر آبادی فراهانی و صالح اصفهانی: ۱۳۹۸: ۴۹). در حالی که در منطقه غرب آسیا همواره نرخ میانگین هزینه‌های نظامی دو رقمی بوده است یعنی ۲۳/۲۳ درصد اما این مقدار برای اروپای غربی ۳/۶۱، آمریکای شمالی ۸، هند ۱۰/۲۵، ژاپن ۲/۴۰، کره جنوبی ۱۳/۵۵، چین ۱۰ و روسیه ۱۱ درصد بوده است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به مقولهٔ امنیتی‌سازی ایران توسط ایالات متحده در منطقه غرب آسیا طی دهه‌های اخیر و پیامدهای آن بر تکوین فضای امنیتی و آنارشیک منطقه و تحمیل هزینه‌های نظامی غیر متعارف بر اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا به دلایلی مانند به خطر افتادن منافع اقتصادی، ژئوپلیتیکی و به طور کلی چالش فراروی هژمونی خود در منطقه غرب آسیا همواره درصدد مهار ایران و مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی برآمده است. یکی از واکنش‌های ایالات متحده متعاقب رخداد انقلاب اسلامی و در مواجهه با آن، تولید پاره‌گفتارهای امنیتی^۱ و تکثیر محتواهای متشکل از مفاهیم دارای بار منفی علیه ج.ا.ا به کمک ابزارهای نوین رسانه‌ای و نیز بهره‌گیری از برخی مواضع و ادبیات سیاسی مقامات ایران در راستای برسازی این کشور به عنوان بازیگری امنیتی بوده است. رویه بازنمایی تهدیدآمیز ایران بیش از هر جا در ادراک کنشگران فردی و جمعی (دولت‌ها، نخبگان سیاسی، افکار عمومی) غرب آسیا دنبال شده است تا کشورهای این منطقه ایران را به عنوان تهدیدی وجودی برای خود تصور کرده و یا به عبارتی دچار واگمته تهدید از آن شوند. رویکرد آمریکایی‌ها در این خصوص هدایت و جهت دادن به فعالیت‌های امنیتی - نظامی کشورهای منطقه برای مقابله با ایران و سوق دادن منطقه به تجهیز تسلیحاتی خود و برقراری موازنه سخت با ایران بوده است، موازنه‌ای که براساس مسابقه تسلیحاتی، تحرکات نظامی و ائتلاف‌ها و اتحادهای دو و چند جانبه امنیتی تکوین یافته باشد. جدیدترین این هم‌سویی‌ها تلاش آمریکا برای شکل دادن به توافق ابراهیم در میان اعراب و اسرائیل و نیز ایجاد سامانه دفاع هوایی مشترک در منطقه با

۲۱۳

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

برسازی امنیتی
آمریکا از ایران در
ادراک غرب آسیا و
تنزل بهرهٔ صلح در
اقتصاد سیاسی
منطقه

1 - Utterance

صورت گفتاری یا نوشتاری یک جمله که توسط بازیگر امنیتی کننده برای امنیتی کردن یک مرجع به کار می‌رود.

حمایت آمریکا است که اختصاص درصد بیشتری از هزینه‌های عمومی و تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه غرب آسیا به خرید سلاح و تجهیزات نظامی از نخستین پیامدهای رویه مذکور است. براساس گزارش مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم کشورهای غرب آسیا (بحرین، مصر، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، امارات، یمن) در فاصله بین سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۸۸ به طور میانگین ۲۳/۲۳ درصد از بودجه عمومی خود را صرف هزینه‌های نظامی کرده‌اند که بالاتر از کشورهای توسعه یافته و دیگر مناطق دنیا است. در این دوره همچنین این کشورها ۵/۸۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور نظامی کردند در حالی که مقدار استاندارد آن ۲ درصد بوده است. برآیند رویه یاد شده مواجه شدن منطقه غرب آسیا با تنزل و امتناع بهره صلح است. در حقیقت بین افزایش هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه در مقابله جویی با تهدید برساخته شده از ایران و شکنندگی وضعیت اقتصادی-اجتماعی و تأخیر در تحقق توسعه متوازن منطقه پیوند تنگاتنگی وجود دارد.

منابع

- آگامین، جورجو (۱۳۹۵)، *وضعیت استثنایی*، ترجمه پویا ایمانی، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۵)، «تحول هندسه قدرت در پرتو ماهیت فرهنگ و ژئوپلیتیک منطقه‌ای قدرت: مطالعه موردی تحولات غرب آسیا»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۳۹-۱۲۲.
- امیر آبادی فراهانی، احمد و صالح اصفهانی، اصغر (۱۳۹۸)، «ارزیابی تطبیقی تاثیر مخارج نظامی بر تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منتخب»، *فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، سال نهم، شماره ۳۷، صص ۴۳-۶۶.
- بوزان، باری، ویور، آلی و دووولد، پاپ (۱۳۹۵)، *چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ سوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۸)، «بازنمایی اسلام و ایران در رسانه‌های غرب»، **فصلنامه وسایل ارتباط جمعی**، دوره ۲۰، شماره ۱، خرداد، صص ۹۴-۷۹
بختیارپور، علی و علی پور، بهزاد (۱۳۹۴)، «بررسی ارتباط بین مخارج نظامی (بودجه دفاعی) بر میزان بدهی‌های خارجی کشورهای حاشیه خلیج فارس برای دوره زمانی (۱۳۹۲ - ۱۳۶۸)»، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، قابل‌بازرسی در:

<https://civilica.com/doc/445979>

پوراحمدی، حسین و جمالی، جهان (۱۳۸۸)، «طرح‌های شیعی: اهداف، موانع و پیامدها»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۵۶-۷.
جمالزاده، ناصر و آقایی، محمد (۱۳۹۴)، «تأثیر ایران هراسی بر رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، سال ششم، شماره اول، بهار، صص ۴۷-۱۹.

حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۲)، «مکتب کپنهاگ، آموزه‌ها و مفاهیم» **خبرنامه مطالعات جهان**.
نشر نشریه داخلی انجمن ایرانی مطالعات جهان، صص ۱۸-۱۵.

خطیبی پور سجاد، مدرس، محمدولی، منوری، سیدعلی (۱۳۹۷)، «امنیتی شدن مذهب و ارتقاء بحران در خاورمیانه: با تأکید بر بحران‌های عراق و سوریه (۲۰۰۵-۲۰۱۷)»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۸، شماره ۳، آذر، صفحه ۶۲-۳۳.

محمدرضا رستمی (۱۳۹۵)، «بی‌ثباتی‌های غرب آسیا (خاورمیانه): بازیگران منطقه‌ای و یاریگران فرامنطقه‌ای»، **نشریه سیاست دفاعی**، دوره ۲۴، شماره ۹۴، اردیبهشت، صص ۲۰۲-۱۶۶.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و رضائی، نی (۱۳۹۶)، «بررسی کنش گفتاری امنیتی کردن انقلاب اسلامی توسط رؤسای جمهور ایالات متحده»، **فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۴۱، زمستان، صص ۲۶-۳.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و نوری، حمید (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵)، **تصویرسازی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران، مؤسسه چشم‌انداز آفاق جهانی.

سر خیل، بهنام و خزعلی، فاتن (۱۳۹۶)، «تصویرسازی تهدید‌انگار از جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحدهی آمریکا»، **دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی**، سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۶، پاییز و زمستان، صص ۱۳۴-۱۰۳.

- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۳)، «مبانی نظری سیاست خارجی دولت بوش»، **فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل‌شناسی - آمریکا شناسی**، سال ششم، شماره ۲ بهار، صص ۲۲-۱.
- شعرباف، جواد (۱۳۹۰)، «افزایش هزینه های نظامی ایران؛ ضرورتی انکار ناپذیر»، **فصلنامه آفاق امنیت**، ۴ (۱۲): صص ۹۷-۱۲۳.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹)، «ایران هراسی: دلایل و پیامدها»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۹۱-۲۰۸.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، چاپ اول، تهران، مطالعات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد نظریه امنیت ساختن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سال نهم**، شماره سوم، پاییز، صص ۹-۱۵.
- قرشی، سید یوسف (۱۳۹۳)، **امنیتی شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان (۱۳۹۱)، «خرید تسلیحات نظامی و همگرایی منطقه ای در خلیج فارس مطالعه موردی شورای همکاری خلیج فارس و ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل**، پاییز، شماره ۵، صص ۷۸-۵۳.
- مرادی‌فر، سعید و امیری، علی (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران»، **سیاست جهانی**، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۲۱.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۷)، «ایران در افکار عمومی جهان عرب بر اساس گزارش شاخص‌های عربی ۲۰۱۸».
- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷)، **هنر تحریم‌ها، ناآگاهی از درون میدان**، تهران، معاونت پژوهشی اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۹۸)، **ت تحلیل علل و پیامدهای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی**، چاپ سوم، تهران، نشر اقتصاد فردا.
- Baker James A. and lee H. Hamilton (2006), *The Iraq study Group Report*, united states Institute of peace.
- Blanchard Christopher M (2017), *Saudi Arabia: Background and U.S Relation*, congressional Research services, at; https://fas.org/crs/mideast/RL_33533.pdf
- Busan, Bary & waver, ole (2000), *Regions and Power: the Structure of International Security*, New york: Com bridge university press.
- Bush, W. (2006), The president's news conference with prime minister Ehud Olmert of Israel. Retrieved from the American presidency project

- website:<http://www.presidencyiucsb.edu/23/05/2006/ws/index.php?42&st=iranian+threa&st1>
- Buzan, Barry (1997), *Rethinking security the cold war*, first published March 1, 1997. <https://doi.org/10.1177/00/0836797032001001>
- Chivers, CJ Schmitt, Eric(2013), *Arms Airlift to Syria Rebels Expands, with Aid from C.I.A* , Newyork Times, 24 March.
- Fuller,Graham E.winter (2006-2007),*Hezbollah-Iran connection:modle for sunni Resistance*,The Washington Quarterly,30:pp 139-150.
- Glaser, G.L. (2010), *Rational Theory of International politics*, princeton *university* press.
- Haas, R.N. (2006), *the new middle East*, foreign *Affairs*.<https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2006-11-01/new-middle-east>
- Herts , J.H. (1950), Idealist Internationalism and the security Dilemma, *world politics*, 2(2). PP157-180.
- Higgott, Richard (2004), US Foreign Policy and the Securitization of Economic Globalization, *International Politics* 41(2):147-175
<http://www.presidency.ucsb.edu/ws/index.php?pid=37319&st=iranianthreate&st1>.
- <https://www.iiss.org/military/Balance/MiddleEastandNorthAfrica/chapterseven/February2018/pages/315-374/publisher:IISS>
- [https://www.sipri.org/Databases/military/expenditurebycountryaspercentageofgrossdomesticproduct\(1988-2020\)SIPRI2021](https://www.sipri.org/Databases/military/expenditurebycountryaspercentageofgrossdomesticproduct(1988-2020)SIPRI2021)
- [https://www.sipri.org/Databases/military/expenditureexpressedasapercentageofgeneralgovernmentexpenditure,andareforcalendaryearexceptwhereotherwise stated,\(1988-2020\)SIPRI2021](https://www.sipri.org/Databases/military/expenditureexpressedasapercentageofgeneralgovernmentexpenditure,andareforcalendaryearexceptwhereotherwise stated,(1988-2020)SIPRI2021).
- [https://www.sipri.org/Databases/military/expenditurebyregion,inconstant\(2020\)us\\$Billion.,1988-2020SIPRI2021](https://www.sipri.org/Databases/military/expenditurebyregion,inconstant(2020)us$Billion.,1988-2020SIPRI2021).
- Jervis, R. (1978), cooperation under the security Deliemma, *world politics*, 30(2),pp 167-214
- Katzman,Kenneth(2009), *Iraq:politics,Elections and Benchmarks*, congressional Research service.
- LynchIII,Thomas F(2008),*sunni and shia Terrorism Differences that matter,combating Terroism center at west point*, occasional paper series At:www.dtic.mil/cgi-bin/GetTrDoc?AD=ADA492348.
- McDonald, M (2008), “securitization and the construction of security”. *European journal of international relations*, 14(4), 563-587

- Mearsheimer, John (1990), "Back to the Future: In stability in Europe after cold war," **International security**, 15(1),pp5-56.<https://links.jstor.org/sici?sici=0162-2889>
- Meridor, D. (2008) *sixth session-Iran, Regional Hegemony and proliferation Retrieved* 0229, 2010, from 11ss: <http://www.iiss.org.uk/conference>.
- Nasr, valil and Ray Takeyh (2008), The costs of containing IRAN: washington's misguided new middle East policy, *foreign Affairs*, 87(1),pp85-94.<https://www.researchgate.net/publication/298683418>
- Perlo-Freeman,Sam &Solmirano,Carina(2014), *Trend in World Military Expenditure 2013*,SIPRI Fact Sheet, April 2014.Available in: <http://www.sipri.org/factsheet2013>.
- Razoux, PIERRE (2015), *the Iran-Iraq war*, translated by Nicholas Elliot, Harvard university press.
- Reagan, R. (1986) message to the senate returning without Approval the Bill Banning the united states arms sale to Saudi Arabia. Retrieved from the American presidency project
- Sanger , D. E and. E. schmit (2010), *us. speeding up missile Defenses in Persian Gulf*, Retrieved 0318, 2010, from NY times, <http://www.nytimes.com>..
- Shipoli.A.Erdoan(2018), *slam, Securization, and US Foreign Policy*,Palgrave Macmillan
- SSIPRI year book 2010: Armaments, Disarmament and International security/more information is available at www.sipriyearbook.org
- SIPRI yearbook 2021: Armaments, Disarmament and International security, published in print and online by oxford university press/more information is available at www.sipriyearbook.org
- Spindle , Bill Coker ,Margaret (2011),*The wall street journal*, April16 , Available at:<https://www.wsj.com/articles/s>
- Streeten, paul (1994) , Human development: means and ends, *the American Economic review*,84(2),pp232-237
- Talia ferro, J.w. (2002),security seeking under anarchy: Defensive Realism Revisited, *international security* 25 (3),pp128-161,<https://libraysearch.unwsp.edu>
- Us Arms Control and Disarmament Agency(1984),*World Military Expenditures and Armes Transfers 1972-1982*,Washington:ACDA puplication.
- Waever, Ole (19950) , *securitization and desecuritization* , in Lipschutz, Ronnie D. on security. New York: Columbia university press.
- Walt, Stephen(1987),*The origin of Alliance*, Ithaca,N.Y:cornell university.

Waltz, Kenneth (1988), *The origins of war in neorealist theory*, Cambridge: Cambridge university press.

Yildirim, J., ocal, n. & keskin, H. (2011), *militaryex penditure economic Growth and spatial spillovers: A Global perspective*, International conference on Applied Economics.

منابع روزنامه‌ای و اینترنتی:

روزنامه کیهان. ۱۳۹۸/۱/۲۴ و ۱۳۹۶/۸/۱۵ شماره ۲۱۷۶۵ و ۲۲۱۵۸

روزنامه رسالت (۱۳۸۷/۳/۲۱)، شماره ۶۴۴۸

پمپنو، مایک (۲۰۱۹). «ایران باعث بر هم خوردن ثبات منطقه ی غرب آسیا می شود». قابل بازیابی در:

۲۱۹

www.tabnak.ir/fa/tags/114871

حسین‌زاده، هانیه (۱۳۹۹). «نظر مردم کشورهای عربی در مورد دولتهایی که بیشترین تهدید برای کشور آنها می‌باشند»، قابل بازیابی در:

www.dohainstitute.org/15/10/2020

خبرگزاری آنتولی (۲۰۱۹/۲/۱۸)، «کنفرانس ورشو، تهدید بودن ایران و طرح صلح عربی». قابل بازیابی در:

<https://www.trt.net.tr/persian/thlyl-w-gzrsh/2019/02/18/khnfrms-wrshw-thdyd-bwdn-yrn-w-trh-slh-rhy-1147572>.

خبرگزاری ایسنا (۹۸/۱۱/۶). «نظرسنجی الجزیره درباره نگاه اعراب به رابطه با ایران». قابل بازیابی در:

www.isna.ir/6/11/1394/94110603909.

خبرگزاری میزان (۱۳۹۵/۲/۹). «چتر دفاع موشکی موثر بر علیه ایران». قابل بازیابی در:

<https://www.mizan.news/166591>.

رضایی، محسن (۱۳۹۹)، «اگر ایران بزرگ شکل بگیرد ۱۵ کشور به ایران وصل می‌شود». قابل بازیابی در:

www.entekab.ir/19/09/1399/589123

صفرزایی، سامان (۱۳۹۹). «هزینه ماشین جنگی صدام علیه ایران چطور تامین شد». قابل بازیابی در:

کدخبر: www.tarikhiran.ir ۸۵۳۷

صفرزایی، سامان (۱۴۰۰). «پاسخ به یک ابهام؛ کمک کشورهای عربی به صدام». قابل بازیابی در:

کدخبر: www.tarikhiran.ir ۸۶۵۲

علم‌الهدی، احمد (۱۳۹۸). «قلمرو قدرت انقلاب فضای منطقه را گرفته». قابل بازیابی در:

www.eqtesad new.com/12/08/1398/310473



فرهنگ زاده، هادی (۱۴۰۰). «جهان علیه ایران». قابل بازیابی در:

کدخبر: ۱۴۰۰۰۰۶۳۰۲۲۸۱ www.isna.ir

متیس، جیمز (۲۰۱۷). «ایران با اقدامات بی ثبات کننده کشورهای منطقه را تهدید می‌کند». قابل بازیابی در:

<https://radiofarda.com/a/f14/pentagon-mattis-warns-syria-in-israel-288444352.html>

مصلحی، حیدر (۲۰۱۶). «ایران بر چهار پایتخت کشورهای عربی تسلط دارد». قابل بازیابی در:

www.almashareq.com/06/10/2016

مروی، امیر حسین (۱۴۰۰). «تحریم یا محاصره ایران؛ فلسفه و پیامد ها». قابل بازیابی در:

کد خبر: ۱۰۴۶۸۵ www.tabnak.ir

مکنزی، کنت (۱۴۰۱). «ایران اکنون توانمندی های راهبردی عظیمی دارد». قابل بازیابی در:

کدخبر: ۱۶۷۳۹۱۴ www.khabaronline.ir

۲۲۰



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱